

معادن ۶۰۰۰۰۰۰ صنعتگر، ۱۵۰۰۰۰ کارگر صنعتی و ۲۳۹۰۰۰۰۰ در بخش کشاورزی مشغول کار بودند (فرانتس، ص ۲۳).

به موازات صنعتی شدن اسپانیا تشکلات کارگری نیز شکل گرفتند در رابطه با چگونگی و روند تشکیل تشکلات کارگری اسپانیا نظرات متفاوتی وجود دارد به عنوان مثال فرانتس روند تشکیل و رشد تشکلات کارگری اسپانیا را به سه مرحله بازار تقسیم می‌نماید: ۱) فاز اول تشکیل تعاونی‌های مصرف و انجمن‌های تأمین آتیه کارگری که از سال ۱۸۲۰ آغاز گردیده است، ۲) فاز دوم تحول تعاونی‌ها به جمع‌های مقاومتی و اتحادیه‌های طبقاتی که از سال ۱۸۵۰ با تشکیل کمیسیون‌های طبقات کارکننده آغاز می‌گردد و ۳) فاز سوم فدراسیون محلی اسپانیا در سال ۱۸۷۰ که به اولین بین‌الملل کارگری (۱۸۸) پیوسته (مقایسه شود با فرانتس، صفحات ۲۷-۲۳)

کلاً چنین تقسیم‌بندی‌ای به نظر نویسنده به دلایل زیر دارای اشکالات زیادی بوده و نمی‌تواند به نحو همه‌جانبه‌ای پراتیک سازمانی کارگران اسپانیا را منعکس نماید:

۱- تاریخ شکل‌گیری تشکلات اسپانیا و تحقیقات نویسندگان مختلف در رابطه با سازمان‌یابی کارگران اسپانیا چنان که در زیر خواهیم دید چنین تقسیم‌بندی را نمی‌کند چرا که الف) اولین تشکلات کارگری از نوع تشکلات شغلی و مقاومتی در سال ۱۸۳۰ شکل گرفتند و نه تعاونی‌های مصرف که از سال ۱۸۴۰ به بعد تشکیل شدند. همان‌طور که خواهیم دید به طور هم‌زمان با تشکیل اتحادیه‌های شغلی، ایده‌های سوسیالیستی و خودمدیریتی هم در جنبش کارگری اسپانیا نفوذ فراوانی داشته‌اند.

۲- چنین بینشی ساده کردن پراتیک و واقعیت مادی متنوع و پیچیده می‌باشد سازماندهی کارگری امری یک‌خطی نیست که از مرحله ساده آن (تعاونی مصرف) آغاز و به فاز عالی‌تر منجر و نیز توالی زمانی آن هم حفظ شود چنین دیدی این واقعیت را که جنبش سوسیالیستی کارگری در برگیرنده همه اشکال مبارزات کارگران می‌باشد و این مبارزات بنا به شرایط مشخص می‌تواند، به‌طور هم‌زمان بروز کنند و از درجات و اشکال متفاوتی برخوردار باشند نفی می‌کند.

علاوه بر این چنین دیدی برای آگاهی کارگری نیز یک رشد یک خطی قائل است: در حد درک ضرورت تعاونی‌های مصرف کارگری تا درک سوسیالیستی.

۳- این نوع جمع‌بندی تاریخی سعی می‌کند پراتیک زندق کارگران را در مقولاتی بگنجانند که در ذهن نویسنده آن از قبل ساخته و پرداخته شده‌اند. در نتیجه بسیاری از

اشکال مبارزاتی نادیده گرفته شده و اصلاً به حساب نمی‌آیند و بعضی دیگر از اهمیتی مبالغه‌آمیز برخوردار می‌شوند. چنین تاریخ‌نگاری‌هایی ما را به یاد تاریخ‌هایی می‌اندازند که از سوی نویسندگان کشور شوروی و یا چین نگارش یافته‌اند و متأسفانه بدفهمی‌های زیادی را در میان جنبش چپ جهان دامن زده‌اند.

به ادامه مقاله برگردیم:

همانگونه که ذکر شد در اواخر ۱۸۳۰ در کاتالونین اولین تشکلات شغلی کارگری اسپانیا شکل گرفته بودند که نخ‌ریسان، مکانیک‌ها و نجاران را در خود متشکل نموده بودند. در سال ۱۸۴۰ در بارسلون اولین تعاونی مصرف کارگری تشکیل شد. به‌طور همزمان در آندالوزین، سوسیالیسم چارلز فوریه تبلیغ می‌شد. در اولین روزنامه سوسیالیستی اسپانیا به نام *atraccion* که در سال ۱۸۴۵ منتشر می‌شد، فرناندو گارتیدو که طرفدار فوریه، فدرالیست، تاریخ‌نگار و سیاستمدار جمهوری خواه بود، ایده سوسیالیسم فوریه را ترویج می‌نمود.

از سال ۱۸۵۰ سرمایه‌گذاری‌های خارجی در اسپانیا گسترش می‌یابد و موجبات تحولات عظیمی در مناسبات اقتصادی و نیز شرایط کاری کارگران می‌گردد. فرانتس این سال را نقطه عطفی در تاریخ این کشور ارزیابی می‌کند (فرانتس، ص. ۲۵). سال ۱۸۵۴ تشکیل «کمیسیون طبقات کارکننده» (*Union de Clases*) و به موازات آن (*Asociacion Mutuada de Tejedores*) شکل می‌گیرند. در باره دومین تشکل اطلاعات زیادی در دست نیست. اشمیت آن را تشکلی برای خودمدیریتی می‌نامد. «کمیسیون طبقات کارکننده» اولین اتحاد کارگری‌ای می‌باشد که خواستار حق تشکل برای پیشبرد منافع کارگران بر علیه کارفرمایان بوده است. این تشکل علیرغم غیرقانونی بودنش، از طریق کمیسیون‌ها که در واقع نمایندگان بخش‌های مختلف کارگران کاتالونین بودند، کارگران را بسیج نمود. مبارزه غیرقانونی را با قانونی پیوند دادند (مقایسه شود با فرانتس، ص. ۲۵، گراخ ص. ۲ و اشمیت ص. ۱۶). به همین دلیل شکل سازماندهی مبارزات کارگران بسیار متنوع بود: به‌عنوان مثال جمع‌آوری ۳۰ هزار امضاء برای حق تشکل در سال ۱۸۵۴ و ارائه آن‌ها به اسپارترو (*Espartero*) در مادرید یکی از چشم‌گیرترین آکسیون‌های آن‌ها به‌شمار می‌رود. از طرف دیگر کمیسیون کارگران بافنده، ماشین‌های بافندگی را تحریم کرده بود. یکی از رهبران کمیسیون خوزه بارسلو بود که بعدها به‌خاطر مبارزات کارگری اعدام گردید. ولیکن مهمتر از همه سازماندهی اولین اعتصاب عمومی در تاریخچه جنبش کارگری

اسپانیا می‌باشد. این اعتصاب در سال ۱۸۵۵ توسط 'کمیسیون طبقات کار کننده' در بارسلون سازماندهی شد. کارگران در میتینگ‌های خود شعارهای 'حق اتحاد یا مرگ' و 'زنده باد تشکل آزاد' را حمل می‌کردند. (فرانتس، همانجا).

در سال ۱۸۵۴ کارگری به نام رامون سیمو (Ramon Simo) نشریه‌ای به نام 'El Eco de la Clase' را تأسیس نمود. خواست تشکل همه کارگران بر حسب رده شغلی آنان در مرکز ثقل مطالب این نشریه قرار داشت. جالب اینجاست که ایده آنتروناسیونال کمونیستی در همین زمان از طرف این نشریه مطرح شد. نقل قول زیر که از مقاله‌ای به تاریخ ۱۴ اکتبر آورده شده، نشان می‌دهد که بخش فعال جنبش کارگری در آن زمان چگونه فکر می‌کرده است:

'بیانیم یکبار تصور کنیم که در بارسلون، والنسیا، مالاکا، سویلا، ولادولید، تولوسا، در همه مراکز صنعتی، کارگران ابریشم‌بافی، کارگران کارخانه‌های کتان و پنبه، چاپگران، نجاران، نقاشان، معماران، خیاطان و همه اقشار دیگر طبقه کارگر، در رشته خود متشکل شوند. بعد هم تمام این تشکلات در محلی که سازمان یافته‌اند بر مبنای حق رای عمومی رؤسای خود را انتخاب کنند. سپس رؤسای اینها در چهارچوب قلمروی مسکونی (شهری) Gemeinde با هدف نمایندگی منافع مشترک متحد گردند. فراتر از این ارگان‌هایی که از رهبران تشکلات مختلف تشکیل شده‌اند با ارگان‌های مناطق دیگر متحد گردند و در همین راستا با ارگان‌های مناطق دیگر ارتباط برقرار کنند. مراکز استان‌ها از طریق نمایندگانشان کمیته استانی را بسازند که مقر آن در مرکز و یا در صنعتی‌ترین محل استان باشد. بالاخره نمایندگان کمیته‌های استان‌ها، کمیته ملی را تشکیل دهند که هدف آن نمایندگی منافع کل طبقه کارگر می‌باشد.' (گرلاخ، ص. ۶)

بنا به نظر گرلاخ چنین مدل‌هایی که هدف مشخص جنبش را تئوریزه کرده، آینده را در 'پراتیک' حال ادغام کنند یکی از وجوه اساسی جنبش سندیکالیستی اسپانیا می‌باشد.^۲ در سال ۱۸۶۶ هنگامی که باکونین^۳ با جنبش کارگری اسپانیا ارتباط برقرار می‌کند، چنین سطحی از رشد سازمان یابی و آگاهی سوسیالیستی موجود است. در سال ۱۸۶۸

(۲) با مقایسه جنبش کارگری اسپانیا و ایران می‌توانیم که جنبش کارگری ایران از جنبش خالصه‌ای برخوردار نبوده است. همواره جمع بندی تئوریک بسیار عقب‌تر از پراتیک مبارزاتی جنبش کارگری بوده است.

جیوسپه فانلی (Giuseppe Fanelli) از طرف باکونین به اسپانیا فرستاده می‌شود. اگر چه این سفر از طرف بعضی از تاریخ‌نگاران غربی نقطه عطفی در جهت گیری جنبش کارگری اسپانیا به سمت آنارشیسم و آنارکوسندیکالیسم قلمداد می‌شود، اما اکثر آنان در این امر متفق‌القولند که آنارشیسم نه تنها به لحاظ فرهنگی و تاریخی در این کشور ریشه‌دار است، بلکه درین جنبش مبارزاتی کارگران و اشکال سازمان‌یابی جنبش کارگری نیز همواره نمود داشته است. به‌عنوان مثال اشمیت نفوذ آنارشیسم در اسپانیا را امری ریشه‌دار می‌داند که به اشکال کلکتیو-سازماندهی‌ای برمی‌گردد که از قرون وسطی در میان کشاورزان اسپانیا به چشم می‌خورده است. مبارزه دهقانان برای رهایی از یوغ ستم و سرکوب زمینداران و سلطنت، برای شیوه آزادانه کار و زندگی نه تنها در شورش‌های ضد حکومتی بلکه در اشکال کمونی و جمعی سازمان‌دهی دهقانان بر مبنای اجتماعات موتوالیستی بروز می‌یابد. این جماعات، دهقانان را سازمان داده و امور آنان را به شکل جمعی به پیش می‌بردند. علاوه بر این اشمیت جنگ‌های چریکی بر علیه ناپلئون را یکی دیگر از جلوه‌های ریشه‌های تاریخی آنارشیسم ارزیابی می‌کند. از آغاز قرن نوزدهم، با مهاجرت کارگران کشاورزی جنوب به شمال و کاتالونین نظریات و ایده‌های آنارکوسندیکالیستی در جنبش کارگری اسپانیا توسعه و گسترش یافت.

تا سال ۱۸۶۸ جنگ قدرت در میان کلیسا، ژنرال‌های معتدل، زمینداران و سلطنت کم و بیش ادامه داشت. در طی این سال‌ها شبکه راه‌آهن با کمک سرمایه خارجی در اسپانیا به وجود آمده، گسترش یافته کاتالونین صنعت نساجی خود را مدرنیزه کرده بود. صادرات کالاهای کشاورزی افزایش یافته بودند. تعدادی از سرمایه‌داران بانک یا سرمایه اسپانیایی بانک‌هایی تأسیس کرده بودند. این‌ها به نیروهای تازه نفس بورژوازی با ویژگی اروپایی میلان داده، فضای لیبرالیسم را رشد داده بودند. سلطنت به رهبری ملکه ایزابت دوم نیز با اقدامات خود تعادل سیاسی سابق را مختل نموده بود. همه این عوامل منجر شد که

۳) میثاق الکساندر ویچ باکونین (۱۸۷۶-۱۸۸۴)، ایدئولوگ و مروج آنارشیسم می‌باشد. وی از اهالی روسیه بود و در انقلاب ۴۹-۱۸۴۸ در آلمان شرکت داشت، او در بین اعمال اول مخالف نقطه نظرات مارکس بود. در سال ۱۸۷۲ در کنگره هاک از بین اعمال لول اخراج شد.

۴) فانلی (۱۸۲۶-۱۸۷۲)، در آغاز نماینده جنبش بورژوا دموکراتیک در ایتالیا، طرف دار گاریبالدی، و از سال ۱۸۶۵ نماینده پارلمان ایتالیا بود. وی سپس آنارشیست و یکی از مؤسسين اتحاد دموکراسی سوسیالیستی شد که باکونین یکی از رهبران اصلی آن به شمار می‌رفت.

نیروهای ضد ملکه الیزابت با هم متحد شوند، ژنرال پریم که به جناح رفرمیست ارتش متعلق بود بر سادرید مسلط گردید. ارتش ولیکن خواهان جمهوری نبود. ژنرال‌ها نمی‌توانستند بر سر جانشین ملکه الیزابت توافق کنند. ۳ سال تمام وضعیت نامشخص بود. بعد از ۳ سال ارتش از یک شاهزاده ایتالیایی دعوت کرد که بر تخت پادشاهی بنشیند. این امر ولیکن به جنگ قدرت پایان نبخشید چرا که او از نفوذی در دستگاه دولتی برخوردار نبود و تنها نقشی سمبولیک برای حفظ نظم و سلطنت بازی می‌کرد. به همین دلیل نیز وی پس از ۲ سال اسپانیا را ترک کرد و عطای پادشاهی را به تقای آن بخشید.

در سال ۱۸۷۳ جمهوری اعلام شد ولی نه به این دلیل که گروه‌های سیاسی مسلط عمیقاً خواستار آن بودند، بلکه به این دلیل که آلترناتیو دیگری وجود نداشت (مقایسه شود با بورکناو، ص ص ۲۶-۲۷). این جمهوری که رسماً به «جمهوری اول» معروف است، عمرش حتی به ۲ سال هم نکشید! حال ببینیم این شرایط موجب چه تأثیراتی بر جنبش کارگری گردید:

در طی سال‌های خلاء قدرت و مصادف با آن، آزادتر شدن فضای فعالیت‌های سیاسی، زمینه مناسبی برای رشد جنبش کارگری فراهم آمد. کارگران توانستند حق تشکیل را به کف آورند. این حق به همراه سایر حقوق دموکراتیک در فصل ۱۷ قانون اساسی سال ۱۸۶۹ به تصویب رسید.

«فدراسیون منطقه‌ای اسپانیا» (ف.آ.ای).

در ژوئیه ۱۸۷۰ نمایندگان کارگران «فدراسیون منطقه‌ای اسپانیا» (ف.آ.ای) «Federacion Regional Espanola = FRE) را تشکیل دادند که به انترناسیونال اسپانیایی موسوم گردید. در حالی که گزلاخ از شرکت ۳۰۰۰۰ کارگر در کنگره مؤسس انترناسیونال اسپانیایی نام می‌برد، اسمیت تعداد اعضای کارگر فراکسیون‌های مختلف انترناسیونال اسپانیایی را ۴۰۰۰۰ نفر می‌خواند. آن چه که محرز است تفوق ایده‌های باکونین بر کنگره می‌باشد. به نحوی که اکثریت بر روی برنامه ذیل توافق نمودند:

- ۱- الغای همه طبقات و عدالت اجتماعی برای همه
- ۲- تساوی امکانات برای هر دو جنس
- ۳- لغو دولت و به جای آن تشکیل فدراسیون تشکلات کارگری و دهقانی
- ۴- آتیسم

ساختار سازمانی افه، آرای به شکل زیر بود:

- ۱- در هر منطقه‌ای بخش‌های انترناسیونال برای هر رشته شغلی و نیز یک بخش که 'شغل‌های مختلف' را به یک دیگر پیوند می‌دهد، ساخته می‌شد.
 - ۲- دواپر یک منطقه به شکل افقی به فرم یک فدراسیون یا هم متحد می‌شدند. این فدراسیون به مسائل عمومی که به منافع طبقه کارگر مربوط می‌شوند می‌پردازد در این باره از جمله می‌توان از امور اجتماعی، آموزشی و تحصیلی و نیز کمک‌های عمومی نام برد.
 - ۳- دواپر مربوط به هر حرفه‌ای در سطح فرا منطقه‌ای که به نحو عمودی به هم می‌پیوستند. این‌ها قرار بود به‌عنوان سازمان مقاومت برعلیه سرمایه عمل کنند.
 - ۴- فدراسیون‌های محلی برای تشکیل فدراسیون‌های منطقه‌ای اسپانیا که تحت رهبری شورای فدرال به هم می‌پیوستند، شورای فدرال از طرف کنگره انتخاب می‌شد. یکی از نکات مورد بحث کنگره موضع افه، آرای در قبال عرصه سیاست بود فرانتس با استناد به آباد دسانتیلان (Abad de Santilan) معتقد است که کنگره در واقع بر روی موارد طرحی توافق نمود که ترجمه کلمه به کلمه قطب‌نامه‌ای بود که طرف داران باکونین چندی قبل در کنگره‌شان در سوئیس به تصویب رسانده بودند. طبق آن احتراز سیاسی (politische Enthaltensamkeit) توصیه گشته و هر گونه فعالیت سیاسی که هدف بلاواسطه و مستقیمش پیروزی کارگران بر سرمایه را در بر نمی‌گرفت، نفی می‌گردید. پس از طرح خواست نابودی دولت، کنگره به تمام دواپر انترناسیونال کارگران توصیه کرد که 'از هرگونه اتحادی که هدفش تحول اجتماع از طریق رفرم‌های ملی سیاسی می‌باشد، صرف نظر نماید و تمام فعالیت‌هایش را برای ایجاد فدراسیون‌های شغلی متمرکز نماید. این فدراسیون‌ها تنها ابزار تأمین موفقیت انقلاب اجتماعی خواهند بود' (فرانتس، ص. ۲۹).
- به نظر فرانتس چنین مصوبه‌ای کاملاً در تناقض بیانیه ورود به انترناسیونال اول بود که از طرف افه، آرای تأیید گشته بود. چرا که در آن بیانیه آمده بود: الف) 'رهایی اجتماعی کارگران جدا از رهایی سیاسی آنان نیست' و ب) 'ضرورت کسب آزادی‌های سیاسی اجتناب‌ناپذیر است'.

موضع افه، آرای در قبال جمهوری (۱۸۷۳) حالت دوگانه داشت، زیرا حمایت خود را منوط به عمل و چگونگی اقدامات جمهوری و میزان رفرم‌های اجتماعی نموده بود. در قطعنامه کمیته فدرال به تاریخ ۲۴ فوریه ۱۸۷۳ در این باره چنین آمده بود: 'ما با رضایت تمام چرخش نام‌برده را نظاره می‌کنیم. این رضایت نه به دلیل تضمین‌هایی است که

جمهوری به طبقه کارگر می‌تواند بدهد، بلکه به این دلیل است که جمهوری آخرین سنگر بورژوازی است. (اشمیت، زیرنویس ۵ ص. ۱۸)

از آن جا که جمهوری نه به دلیل پیشبرد اقدامات ضد سلطنتی اعلام شده بود و نه توان و نه خواست پیشبرد اصلاحات عمیق ارضی، سیاسی و اجتماعی را داشت، مسلماً نمی‌توانست عملاً از حمایت از آن صحبتی در میان باشد. از طرف دیگر در شرایطی که جنبش دهقانی و کارگری از رشد بی‌اندازه‌ای برخوردار شده بود، بورژوازی را آن چنان وحشت زده نموده بود که خود را بیشتر به دامان ارتجاع و نیروهای کهنه و زمینداران فتودال می‌آویخت. علاوه بر این ارتش به‌عنوان فاکتور اصلی توازن قوا اصولاً مخالف اصلاحات عمیق بود.

برای طبقات بالا مهم آن بود که بنیادهای نظم موجود حفظ شود و به منافع اساسی طبقات حاکم و مناسبات استثمارگری ضربهای وارد نگردد. با چنین انگیزه‌هایی وزیر کشور (Priy Margall) حمله به جنبش انقلابی را آغاز نمود. هدف اصلی توقف حرکات توده‌ای و برقراری نظم سابق بود و به همین دلیل تیز تشکلات توده‌ای امواج اقدامات سرکوبگرانه او قرار گرفتند. وی اعلام کرد که شوراها را محلی سلطنتی سابق باید دوباره به جای کمیته‌های انقلابی دهقانان بنشینند. این کمیته‌های انقلابی محلی دهقانان بودند که کلیساها را بسته و اقدامات انقلابی از پایین، از جمله مصادره زمین‌ها را به پیش می‌بردند (اشمیت، ص. ۹). آمارشمارها برای اولین بار انتخابات مجلس مؤسسان را تحریم نموده و از همه خواستار بایکوت این انتخابات شدند، در کل اسپانیا ۶۰٪ و در کاتالونین ۸۰٪ در انتخابات شرکت نمودند. هم‌زمان با این بایکوت، دهقانان به اقدامات مستقیم و از پایین مبادرت ورزیدند. موجی از شورش‌های دهقانی به خصوص جنوب اسپانیا را در بر گرفت. وحشت از این اقدامات توده‌ای و اشتیاق به برقراری نظم کهنه یک بار دیگر ارتش و کلیسا را به هم نزدیک کرد. ۱۸۷۴ سلطنت دوباره فراخوانده شد. سرکوب جنبش توده‌ای و کارگری و به همراه آن ممنوعیت افسارهای از اولین اقدامات حکومت جدید به شمار می‌رفت. غیرقانونی شدن، موجب کاهش خارق‌العاده تعداد اعضای افسارهای شد. در سال ۱۸۷۴، ۲۲۰ فدراسیون محلی وجود داشت. در سال ۱۸۷۷، تنها ۲۳ تشکل از آن‌ها باقی مانده بود. بنا به نظر اشمیت در این دوره فعالیت غیرقانونی - یکی از وجوه مشخصه آمارشمار اسپانیا - بروز می‌کند که وی آن را تقاضای بین مناطق کاتالونین و آندالوزین می‌نامد.

کاتالونین مرکز کارگران صنعتی شیوه کاملاً متفاوتی در این دوره اتخاذ نمود. کارگران صنعتی آنارشیست در این دوره به امید شروع شرایط بهتری برای مبارزه به شیوه عقب‌نشینی برای تجدید قوا دست زدند آنان تلاش نمودند که نیروهای خود را در همه جهت‌ها بازسازی نمایند.

در آندالوزین، ولیکن وضع کاملاً متفاوت بود. آنارشیست‌ها که نمایندگان واقعی جنبش دهقانی‌ای بودند که در جنوب به سرعت سازماندهی می‌شد با عقب‌نشینی سر و کاری نداشتند. آنها کلاً با اعتصاب و سازمان منسجم مبارزاتی به شیوه باکونین میانه‌ای نداشتند. گرایش آنان بیشتر به اندیشه‌های کروهوتکین نزدیک بود. شیوه مبارزاتی آن‌ها اعمال قهر متقابل بر علیه الیگارشی بود که در نتیجه آن کلیساها و انبار کالاها با همه اسناد مالکیتشان به آتش کشیده می‌شدند مالکین بزرگ مورد حمله قرار گرفته و به قتل می‌رسیدند و گروه‌های چریکی پادگان‌های ارتش را مورد حمله قرار می‌دادند این دو موضع متفاوت طبیعتاً در اف.آرای نیز تأثیر خود را به لحاظ اتخاذ تاکتیک‌های مبارزاتی در شرایط مخفی نشان می‌داد. اختلاف و شکل‌گیری جناح‌بندی‌های مختلف با چنین زمینه‌ای امری اجتناب‌ناپذیر بود

انشعاب در اف.آرای

از سال ۱۸۸۱ با تغییر حکومت فضای سیاسی در اسپانیا کمی بازتر شد جریانات کارگری امکان گسترش فعالیت‌های خود را یافتند. در این شرایط اختلافات درون اف.آرای در رابطه با چگونگی شیوه مبارزاتی بالا گرفته بود. در سال ۱۸۸۲ در کنگره سویلا (Sevilla) این مسئله اساسی مورد بحث قرار گرفت که چه نوع مبارزه‌ای از سوی کارگران مطلوب می‌باشد. اعتصابات قانونی با صندوق‌های اعتصاب و یا مبارزات کارگری قهرآمیز بدون صندوق‌های حمایتی. در این کنگره فدراسیون محلی آندالوزین که خواستار "عمل مستقیم" بود. انشعاب نمود و با "ترویج عمل" و اتخاذ سایر متدهای انقلابی در واقع حرکت در چارچوب غیرقانونی را پیش گرفت.

قبل از این انشعاب اف.آرای از رشد بسیار بالایی برخوردار شده بود. و ۲۱۲ نماینده از ۲۱۸ فدراسیون محلی و ۱۰ منطقه را در بر می‌گرفت و ۴۹۶۴۵ عضو داشت. از این تعداد اعضا، ۱۷۰۲۱ تن از غرب آندالوزین، ۱۳۰۲۶ نفر از شرق آندالوزین، ۱۰۳۶ تن از کاستیلین قدیم (Altkastilien)، ۱۳۱۸۱ نفر از کاتالونین، ۵۱۵ تن از کاستیلین جدید، ۲۶۵

نفر از مورسیا (Murcia)، ۸۴۷ تن از گالیتسین (Galitzien)، ۷۱۰ نفر از سرزمین باسک (Baskenland) و ۲۲۵۵ تن از والنسیا (Valencia) بودند. این رشد با بالاگرفتن اختلافات و انشعاب متوقف شد. گریلاخ دلیل این انشعابات را نفوذ اندیشه‌های آنارکو-کمونیستی می‌داند که هرگونه سازماندهی و مبارزه سازمانی را نفی می‌کردند. طبق این نظرات گروه‌های خودمختار کوچک می‌بایستی با ابتکارات انقلابی خود توده‌ها را به سمت خود بکشانند. بر اساس این خلاقیت و مبارزات خودبخودی توده‌ها پایه مادی آنارکو-کمونیسم را تأمین می‌نمود. تحت تأثیر این ایده‌ها آنارکوسندیکالیست‌ها موفق شدند در سال ۱۸۸۸ همه سازمان‌های ایالتی را منحل نمایند (گریلاخ، ص. ۱۴). در این مرحله جدایی آنارکو کمونیسم و اتحادیه‌ها مادیت یافت که به از هم پاشیدگی اف.آر.ای منجر شد (اشمیت، ص. ۲۰). بعضی‌ها ولی عمر اف.آر.ای را تنها تا سال ۱۸۷۲ می‌شمارند، چرا که انشعاب در بین‌الملل اول و جدایی باکونین از آن تأثیر خود را در انترناسیونال اسپانیا نیز بر جای گذاشته بود. تشکیلی که از سال ۱۸۷۲ تا سال ۱۸۸۸ شیوه مبارزاتی به سبک باکونین را تداوم داد، با نام Federation de los trabajadores de la region espanola فعالیت می‌کرد (کوخلین، ص. ۲۱).

به نظر می‌رسد که مورخانی مانند اشمیت با تکیه به چگونگی امر سازمان‌یابی کارگران، تشکل بعدی را نیز همان اف.آر.ای ارزیابی کرده‌اند، حتی اگر این سازمان‌دهی تحت نام دیگری تداوم یافته باشد.

جنبش کارگری اسپانیا پس از تلاشی اف.آر.ای

پس از اف.آر.ای دو گرایش غالب در جنبش کارگری اسپانیا نشو و نما می‌یابند:

- ۱) گرایش سوسیالیستی و ۲) آنارشیزم و آنارکوسندیکالیسم

۱) گرایش سوسیالیستی

در سال ۱۸۷۲ تشکل صنعت چاپ تشکیل شد که بنا به گفته فرانتس در دوران فعالیت غیر قانونی و جو سرکوب حاکم، از سال ۱۸۷۴ به بعد، نقش مهمی را در حفظ ارتباطات فعالین جنبش کارگری ایفاء نموده است.

هسته اصلی این تشکل، بعدها حزب کارگری سوسیال دموکراتیک اسپانیا را در سال ۱۸۷۹ تشکیل داد که پس از آن نیز "حزب کارگر سوسیالیست اسپانیا" تأسیس گردید. این حزب تحت تأثیر گرایش مارکسیستی در انترناسیونال اول خواستار پیشبرد اهداف زیر بود:

الفای طبقات یعنی رهایی کامل کارگران؛

تهدیل مالکیت فردی به مالکیت اجتماعی یا مالکیت کل جامعه؛ تصاحب قدرت سیاسی از طرف طبقه کارگر (فرانتس، ص. ۳۷).

در سال ۱۸۸۸ U.G.T اتحاد کل کارگران تشکیل گردید. این اتحادیه که به ویژه در میان کارگران معدن از نفوذ فراوانی برخوردار بود، در پیوند تنگاتنگ با حزب کارگر سوسیالیست اسپانیا قرار داشت. به نحوی که فرانتس "یو.ژت" را به لحاظ سازمانی بخش سندیکایی این حزب تعریف می‌کند. با توجه به این که این حزب سال‌ها تنها حزب کارگری اسپانیا بوده است، ارزیابی نویسندگان و محققان مختلف، بر حسب چگونگی بینش و جهان‌بینی آنان نسبت به جنبش کارگری و سیاسی اسپانیا، کاملاً متفاوت می‌باشد. با این حال آن چه که مشخص و تقریباً مورد توافق همه نویسندگان است، تغییر جهت این حزب به فعالیت قانونی و پارلمانتاریسم و پیروی از سنت احزاب سوسیال دموکراسی اروپا می‌باشد. بورکناو در باره این حزب می‌گوید: "وجه مشخصه سوسیالیست‌ها این بود که آنان در شمال، عمدتاً در آستورین متمرکز بودند، یعنی در مناطقی که برای تأثیرات اروپایی بسیار باز است. سوسیالیست‌ها نه تنها بسیار صلح‌جو، بلکه حتی متزلزل و بزدل بودند. آنان در هر موردی نقطه مقابل آنارشیسیت‌ها بودند و این کاملاً طبیعی است که سوسیالیست‌ها و "یو.ژت" نه تنها ضدیتی با رشد کابینتالیسم نداشته، بلکه موافق آن بودند. سوسیالیست‌ها تبلیغات خود را محدود به این می‌کردند که وظایف اصلی کاندیداهای شوراهای محلی (Kaziken) را روشن نمایند. آن‌ها تلاش می‌کردند به انتخابات مضمون اولیه آن را برگرداننده تا بتوانند پایه‌ای برای فعالیت‌های پارلمانی ایجاد نمایند. چنین تلاش‌هایی مسلماً مورد حمایت رفرمیست‌ها و جمهوری خواهان بورژوا نیز بود."

۴ گرایش آنارکوسندیکالیستی و آنارشیسیتی

مرکز ثقل این گرایش در کارگران صنعتی کاتالونین و نیز در آندالوزین قرار داشته. بسیاری از مارکسیست‌ها، آنارشیسیم و آنارکوسندیکالیسم را فرمی از مبارزه سوسیالیستی کارگران در آن مناطقی تعریف می‌کنند که به لحاظ اقتصادی عقب افتاده می‌باشند. بر علیه

این تز می‌توان گفت که الف) آنارشیسم در بسیاری از کشورهای جهان علی‌رغم عقب ماندگی اقتصادی آنان نفوذی نداشته و ندارد. ب) در اسپانیا آنارشیسم و آنارکوسندیکالیسم در صنعتی‌ترین مراکز آن مانند کاتالونین بیشترین نفوذ را داشته. این نفوذ به حدی بود که آنارکوسندیکالیسم را در واقع می‌توان تبلور ادامه شیوه مبارزاتی و سنت سازماندهی اف‌آرای در جنبش کارگری اسپانیا نامید در واقع بهتر است بگوییم که اف‌آرای آنارکوسندیکالیستی بود. کوشش‌ها بر روی این نکته تأکید می‌کند که هسته اجتماعی و اخلاقی آنارشیسم در اسپانیا گروه‌های خودمختار محلی و فدراسیونهای منطقه‌ای آنان بودند این گروه‌های خودمختار عمدتاً اتحادیه‌های شفلی بودند. اگر چه همواره اشکال دیگر سازماندهی کارگری مانند تعاونی‌ها، گروه‌های ایدئولوژیک و غیره نیز وجود داشته‌اند، خصلت محلی بودن این گروه‌ها به آنان توان مقاومت در مقابل سرکوب‌ها و پیش‌برد مبارزات غیرقانونی را می‌بخشید.

چنان که اشاره شد پس از انشعاب در اف‌آرای در سال ۱۸۸۱ تشکلی به نام *Federation de los trabajadores de la region espanola* تناوم سازمانی به سبک اف‌آرای را ممکن ساخت که تا ۱۸۸۸ با این نام فعالیت می‌کرد. سازمان‌یابی آنارکوسندیکالیستی از سال ۱۸۸۹ تا ۱۸۹۶ در فدراسیونی به نام *Pacto de union y solidaridad* و از ۱۹۰۴ تا ۱۹۱۰ در *Solidaridad obrera* و از ۱۹۱۰ در اتحاد ملی کار سی‌ان‌تی (CNT) تناوم یافت (کوخلین، ص ۲۲).

در بالا به تضاد میان انتخاب شیوه مبارزه در آندالوزین و کاتالونین که به انشعاب در جنبش کارگری و اف‌آرای انجامید، اشاره کردیم. سندیکالیسم که از سرژت فرانسه به اسپانیا راه یافته بود، از طرف کارگران کاتالونین با عطش و علاقه فراوان درک و مورد الگو برداری قرار گرفت. اعتصاب عمومی به عنوان اصلی‌ترین شیوه مبارزاتی از طرف آنان به پیش گرفته می‌شد. بین سال‌های ۱۸۸۸ و ۱۹۰۷ هنگامی که در جنوب قیام‌های دهقانی نضج و اعتلا می‌یافتند، موجی از اعتصابات شهرهای کاتالونین را در بر گرفت که سرمایه‌داران و دولت را کاملاً درمانده نموده بود. تفاوت آنارشیست‌های جنوب و آنارکوسندیکالیست‌های شمال در پذیرش یا عدم پذیرش قهر نبود. آنارکوسندیکالیست‌ها هرگونه اعمال قهر را رد نمی‌کردند، بلکه آن دسته از اعمال قهرآمیزی را مردود می‌شماردند که از طرف گروه‌های کوچک و به شکل اقدامات تروریستی سازمان‌دهی می‌شد. آنان تروریست‌ها را 'جانان عادی' می‌خواندند با این حال سندیکالیسم و مبارزه

مستقیم به شکل اعتصاب عمومی به آن نیازهایی در جنبش کارگری پاسخ می‌داد که از طرف اتحادیه یو.ژت که حرکات خود را بر روی تغییر مواد قانون متمرکز نموده بود، طرح نمی‌شد.

با جنگ مراکش در سال ۱۹۰۹ سندیکالیست‌ها فراخوان به اعتصاب عمومی دادند. این اعتصاب از طرف یو.ژت چندان مورد حمایت قرار نگرفت. جنبش به نحوی بیرحمانه سرکوب شد. کارگران کاتالان از کارگران سایر مناطق اسپانیا ایزوله شده و از طرف نیروهای ارتش به خاک و خون کشیده شدند.

تشکیل سی.ان.تی

تشکیل همبستگی کارگری در کاتالونین در واقع پیش زمینه مادی تأسیس سی.ان.تی را فراهم کرد. همبستگی کارگری بیش از ۵۰ تشکل کارگری محلی را در بر می‌گرفت و یک روزنامه محلی به نام همبستگی منتشر می‌کرد. علاوه بر روش مبارزاتی سندیکالیستی خود، اعتصاب عمومی انقلابی و نیز مبارزه اقتصادی را به عنوان مرکز ثقل عمل کرد خود تعریف می‌کرد. این مبارزه اقتصادی دربرگیرنده خواسته‌هایی نظیر روز کار ۸ ساعته، افزایش سطح زندگی و آموزشی کارگران نیز بود. آنان به سوسیالیست‌ها و جمهوری خواهان نیز اجازه شرکت در جلسات خود را می‌دادند و از این زاویه به نظر اشمیت عمل کرد. آنان منطبق با خط مشی اساسی آنارشیست‌ها نبودند (اشمیت همانجا) شخصیت‌هایی مانند آنسلمو لورنتسو (Anselmo Lorenzo)، ریکاردو میلا (Ricardo Mella) و خوزه پرات (Jose Prat) از رهبران همبستگی کارگری به شعار می‌آمدند (گرواخ، ص. ۱۲).

در کنگره‌ای که توسط همبستگی کارگری در سپتامبر ۱۹۰۸ برگزار گردید ۲۰۰ نماینده از ۱۳۰ تشکل از سراسر کاتالونین شرکت کردند. در این کنگره "همبستگی کارگری" به یک اتحادیه محلی کاتالان ("اتحاد محلی کار") متحول شد. سی.ان.تی در کنگره برگزار شده از طرف اتحاد محلی کار در تاریخ ۳۰ اکتبر تا ۱ نوامبر ۱۹۱۰ تشکیل شد.

در برنامه سی.ان.تی در سال ۱۹۱۰ آمده است که این تشکل اعتصاب عمومی را نه به مفهوم هدف نهایی بلکه به عنوان یک شکل مبارزاتی، به مفهوم تحقق آکسیون مستقیم ارزیابی می‌کند. خواسته‌های فوری‌ای مانند روز کار ۸ ساعته، نیز در برنامه آنان به چشم می‌خورد. بخش‌هایی از برنامه به مسئله خودمدیریتی پرداخته است و بر ضرورت آن

به‌عنوان یک نیروی اخلاقی و اقتصادی مهم پای فشرده است. در این رابطه برنامه‌س‌ان.تی لز سندیکالیسم خالص فراتر می‌رود (اشمیت، ص. ۲۳).

علاوه بر شخصیت‌های رهبری قدیمی مانند لورنتسو، افراد جدیدی نیز مانند پستانا، سیگوی، پیرو و پدزا هم دوبوتی و آسکاسو در کادر رهبری قرار گرفتند.

درباره تعداد اعضای اتحادیه آمار دقیقی در دست نیست. اشمیت تعداد اعضای اتحادیه را در آغاز به ۴۵۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ نفر محدود می‌داند (اشمیت، همان‌جا). گولاخ، ولیکن می‌نویسد که س‌ان.تی به یک تشکل توسعه‌ای با بیش از ۵۰۰۰۰۰ عضو تبدیل گشت (گولاخ، همان‌جا). در سال ۱۹۱۳ اتحادیه کشاورزی س‌ان.تی به نام FNAE تشکیل گردید. این اتحادیه که به شیوه سندیکالیستی سازمان‌دهی شده بود به سختی می‌توانست جای خود را در مناطقی که به شکل سنتی شدیداً تحت نفوذ انارشیت‌ها قرار داشتند، باز کند. به همین دلیل هم تعداد اعضای آن محدود به ۲۰۰۰ نفر ماند و در سال ۱۹۱۸ نیز منحل گردید.

اولین کنگره س‌ان.تی در سپتامبر ۱۹۱۲ برگزار گردید. در این کنگره علاوه بر ۶ اتحادیه کاتالونین، ۱۴ اتحادیه از گالیسین (Galicien)، یک اتحادیه از ویتوریا (Vitoria)، ۱۱ اتحادیه از لوانته (Levante)، ۱۰ اتحادیه از جنوب و یک اتحادیه از آرگون (Argon) به س‌ان.تی پیوستند.

مراکز شهری س‌ان.تی تا آخر جنگ جهانی اول عبارت بودند از: La Coruna, Zaragoza, Gijon, Barcelona, Jaen Cdiz.

اولین جنگ جهانی موجبات رشد اقتصادی را در اسپانیای بی‌طرف فراهم نمود که به سهم خود به رشد طبقه کارگر در اسپانیا منجر گردید. در سال ۱۹۱۶ پیمانی به نام "قرارداد انقلابی" بین س‌ان.تی و یو.ژ.تی برقرار گردید.

ادامه دارد!

منابع

- 1) Borkenau, Franz: Kampfplatz Spanien – Politische und soziale Konflikte im Spanischen Buergerkrieg. Ein Augenzeugenbericht, Stuttgart 1986
- 2) Schmid, Robert: Das rot – schwarze Spanien: Zur Rolle des Anarchismus im spanischen Buergerkrieg, Aachen 1986
- 3) Gerlach, Erich u. Souchy, Augustin: Die soziale Revolution in Spanien – Kollektivierung der Industrie und Landwirtschaft in Spanien 1936-1939, Berlin 1974

گذشته، حال و آینده اتحادیه های کارگری

کارل مارکس

برگردان و یادداشت ها از: کامران نیری

متن زیر در اولین کنگره انجمن بین المللی کارگران (بین الملل اول) تصویب شد این کنگره در سپتامبر ۱۸۸۶ در شهر ژنو سوئیس برگزار شد. این متن به عنوان یکی از رهنمود های کنگره به نمایندگان توسط کارل مارکس به زبان انگلیسی تهیه شده بود. آن چه که در پرانتز می آید از مترجم است.

الف: گذشته اتحادیه های کارگری

سرمایه نیروی اجتماعی متمرکز است، در حالی که فرد کارگر تنها نیروی کار کردن (نیروی کار) اش را برای واگذاری (به دیگری) در اختیار دارد. از این رو قرارداد ما بین کار و سرمایه هرگز نمی تواند مبنای عادلانه داشته باشد؛ حتی به مفهوم رایج در جامعه ای که مالکیت وسایل زندگی و کار را در یک سو و انرژی تولیدی حیاتی را در مقابل آن قرار

میدهد. قدرت اجتماعی کارگران در تعداد آن ها است، اما این قدرت ناشی از تعداد، به دلیل پراکندگی از هم پاشیده شده است. عدم اتحاد کارگران از رقابت اجتناب ناپذیر بین خودشان به وجود آمده و تداوم پیدا می کند.

ابتدا اتحادیه های کارگری لز تلاش خود به خودی کارگران برای از بین بردن یا حداقل محدود کردن رقابت ما بین خودشان تشکیل شدند تا در (عقد) قرارداد (میان کارگران و سرمایه داران) به شرایطی دست یابند که آن ها را حداقل در وضعیتی فراتر از بردگان قرار دهد. از این رو هدف فوری اتحادیه های کارگری دست یابی به نیازهای روزمره بود تا چون ابزار مسدود کردن راه دست اندازی های بی امان سرمایه عمل کنند. در یک کلام مسائل دستمزد و زمان کار، این (نوع) فعالیت اتحادیه های کارگری نه تنها مشروع که لازمند، تا زمانی که نظام تولیدی حاضر ادامه دارد، نمی توان این فعالیت ها را کنار گذاشت. بر عکس، لازم است تا از طریق ایجاد و ادغام اتحادیه های کارگران در کشورهای مختلف این فعالیت ها فراگیر شود. از سوی دیگر، بدون این که کارگران خود به خود متوجه باشند، اتحادیه های کارگری برای تشکیل طبقه کارگر به وجود آورده اند، همان گونه که انجمن های شهر و کمون های قرون وسطی (به عنوان مراکز تشکیل) برای طبقه متوسط عمل کردند. اگر به اتحادیه های کارگری در جنگ و گریز ما بین کار و سرمایه احتیاج است، وجود آن ها به عنوان عاملین تشکیل برای فراسوی رفتن از نظام کارمزدی و حکومت سرمایه پر اهمیت تر است.

ب: شرایط کنونی اتحادیه های کارگری

اتحادیه های کارگری به دلیل توجه مفرط به مبارزات محلی و مقطعی با سرمایه، هنوز کاملاً به قدرت شان در مقابله با تمامیت نظام بردگی مزدی پی نبرده اند. از همین رو آنها از جنبش های اجتماعی و سیاسی فاصله گرفته اند. اخیراً به نظر می رسد که آن ها تا حدی به نقش تاریخی خود پی برده اند. به عنوان نمونه می توان از شرکت آن ها در جنبش سیاسی اخیر در انگلیس، مواضع جامع تر در ایالات متحده، و مصوبه زیر که در کنفرانس بزرگ اخیر نمایندگان اتحادیه کارگری در شهر شیفلد (انگلیس) به تصویب رسید، یاد کرد. (۱)

این کنفرانس، با قدردانی از کوشش های انجمن بین الملل (کارگران) برای ایجاد اتحاد از طریق پیوند مشترک برادری میان کارگران همه کشورها، در کمال جدیت به

انجمن های گوناگونی که در این جا نمایندگی شده اند توصیه می کند که به این تشکیلات ملحق شوند زیرا که باور داریم این امر برای پیشرفت و شکوفایی تمامی جماعت کارگری اساسی است.

ج: آینده اتحادیه های کارگری

چند از اهداف اولیه شان، اتحادیه های کارگری باید بیاموزند که آگاهانه به عنوان مراکز تشکیلاتی طبقه کارگر در جهت منافع وسیع تر و آزادی کامل او عمل کنند. آن ها باید به هر جنبش اجتماعی و سیاسی که در این جهت عمل می کند یاری برسانند خودشان را مدافعان و نمایندگان کل طبقه کارگر دانسته و این چنین هم عمل کنند و از تلاش برای پیوستن کارگران غیر متشکل به صفوف خود کوتاهی نورزند آن ها باید به دقت حافظ منافع کم درآمدترین حرفه ها، چون کارگران کشاورزی، و آنان که به خاطر شرایط استثنایی از قدرت تهی هستند باشند. آن ها باید جهانیان را قانع کنند که تلاش هایشان تنگ نظرانه، و خودخواهانه نیست و با هدف رهایی توده های میلیونی ستم دیده انجام می شود.

یادداشت:

(۱) کنفرانس شیفلد در روزهای ۲۱-۱۷ ژوئیه سال ۱۸۶۶ با شرکت ۱۲۸ نماینده از اتحادیه های کارگری که ۲۰۰،۰۰۰ کارگر را در بر می گرفتند تشکیل شد. طی سال های ۶۸-۱۸۶۵ اتحادیه های کارگری در بریتانیا به مبارزه برای تعمیم حق رای پیوستند. در سال ۱۸۶۱ رویارویی ای بین ایالات جنوبی و حکومت فدرال ایالات متحده صورت گرفت. ایالات جنوبی که از بردگان برای تولید تجاری به ویژه تولید پنبه استفاده می کردند خواهان جدایی از ایالات متحده شدند تا بتوانند برده داری را حفظ کنند اتحادیه های کارگری در شهرهای شمالی و مناطق هم مرز با ایالات جنوبی به سازمان دهی جلسات و تظاهرات علیه برده داری و خواست جدایی ایالات متحده جنوبی مشغول شدند طی جنگ داخلی (۶۵-۱۸۶۱) اتحادیه های کارگری جدیدی به وجود آمدند و به مبارزه برای ۸ ساعت کار در روز دامن زدند.

کتاب پژوهش کارگری

بهار ۱۹۹۹

شماره ۳

جنش کارگری ایران: پر جوش اما پراکنده جلیل محمودی

عدلی کارگری در گرد مفاصل کارگران در مقابل قدرت دولتی

اشکال مدیریت سرمایه داری و

سازمان دهی کار در سوسیالیسم

ناصر سعیدی

رونگی های مدیریت سرمایه داری و اشکال کنترل پر کار

چند رونگی سازماندهی کار در سوسیالیسم

خاطراتی از زندگی و مبارزه کارگران نفت یدانه خسروشاهی

دوره زندان

دوران انقلاب

باشویک ها و کنترل کارگری

امیر برشتون

برنرطون: جلیل محمودی

تکنولوژی اطلاعاتی و خودمدیریتی سوسیالیستی

اندی بولاک

چه کسی تکنولوژی اطلاعاتی را کنترل خواهد کرد؟

برنرطون: ج. آژده

کمیته های کارخانه در انقلاب روسیه

جنش کنترل کارگری

موضع بلشویک ها و سفیر احزاب سوسیالیست



شکونما دانشستانی

شرکوه گرامی

کهنهزه معین

۳۶۷ صفحه
بهاغ: ۱۵ ماری

کتاب پژوهش کارگری

شماره ۲

پائیز ۱۹۹۸

❑ پیدایش و عمل کرده اتحادیه‌های کارگری در ترکیه

پیدایش و عمل کرده ترکیه - ایش

زبیه‌های اقتصادی - سیاسی تشکیل دهنده

ناصر سعیدی

❑ خاطراتی از زندگی و مبارزه کارگران نفت

تلاش در راه تأسیس اتحادیه کارگران نفت تهران

یداله خسروشاهی

❑ اندیشه‌های کار از سرمایه در جنبش کارگری - بحث دوم

راجع به پروودن

سه گزارش عمده در جنبش کارگری

ت. زیت

سند بکالیسم انقلابی و دولت

جلیل محمودی

❑ راه‌جویی به سازمان‌دهی نوین اجتماعی

❑ از کنترل کارگری تا خودمدیریتی کارگری

دکتر اسمیت

مترجم: فتاح زاهد

کتاب پژوهش کارگری

شماره ۱

تابستان ۹۸

❑ اندیشه‌های کار از سرمایه در جنبش کارگری

تاریخ همبستگی‌های کارگری

در باره رایوت آوشن

جلیل محمودی

❑ جنگ داخلی در فرانسه

کارل مارکس

برگردان: مهوش نظری

❑ دو شعر از برتولت برشت

❑ تاریخچه‌ای از مبارزات و بحث‌های

پیرامون کنترل و مدیریت کارگری

سوسیالیسم صنفی

نظرات کورن، گرامشی و لوکزامبورگ

خودمدیریتی کارگری، در یوگسلاوی

کمیون کنترل کارگری در انگلیس

ناصر سعیدی

❑ مبارزات سال‌های ۵۸-۱۳۵۷ کارگران ایران

در آئینه مطبوعات

کتاب پژوهش کارگری

شماره ۴

تابستان ۲۰۰۰

 با یاد میترا

 نباید تابع امواج بود، باید خود موج شد جلیل محمودی

 اتحادیه‌های اروپا: ویژگی‌ها و مشکلات کنونی ناصر سعیدی

 معرفی نشریه «خبر کارگر»

 تقسیم جنسی کار و عوام‌فریبی «کار و کارگر» میترا سترگ

 ممنوعیت کار کودک بذر فردای سوسیالیسم سوسن بهار

 بلشویک‌ها و کنترل کارگری (۲) ام. برینتون

برگردان: ناصر سعیدی

 دموکراسی شورایی! نه دیکتاتوری حزبی کایو برنندل

برگردان: بهروز دانشور

 نامه‌ای در باره «کمیته‌های کارخانه در انقلاب روسیه» حمیدپویا

فرم اشتراک

لطفاً با حروف بزرگ و خوانا بنویسید!

بهای اشتراک ۴ شماره: ۳۶ مارک

نام:

نشانی:

شروع اشتراک از شماره‌ی:

بهاء تک شماره: ۱۰ مارک، ۴ پوند، ۵ دلار

بهاء با هزینه پست ۱۱/۵ مارک، ۴/۵ پوند، ۶ دلار

آدرس پستی:

Postlagerkarte

Nr. 093739 C

30001 Hannover

Germany

آدرس پژوهش کارگری در اینترنت:

<http://www.flash.net/~bepish>

آدرس پست الکترونیکی:

bepish@flash.net



خروج کارگران از شمول
قانون کار محکوم به شکست
است.

